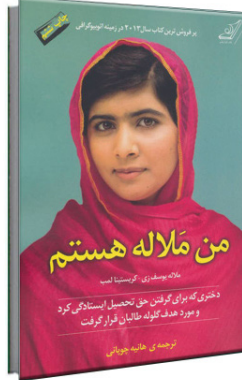


من ملاله هستم

من ملاله هستم کتاب شجاعت یک دختر پاکستانی است. ملاله یوسف زی در ده سوات زندگی می کند و از لحظه تولد، زندگی خود را شرح می دهد. از لحظه ای که به دنیا آمدنش با شادی و خوشحالی خانواده و فامیل همراه نبوده است. او علاقه زیادی به درس خواندن و مدرسه رفتن دارد، اما در جایی مثل پاکستان این کار با درسهایی نیز همراه است. این کتاب با نهایت سادگی نوشته شده و مخاطب می تواند به سادگی روزمرگی ها و ترس های یک دختر کم سن و سال را تصور کند. ملاله اکنون یک چهره مطرح جهانی است که جایزه صلح نوبل را نیز دریافت کرده است و بنیاد ملاله را راه اندازی کرده است و برای به مدرسه فرستادن همه دختران تلاش می کند.



“ پدرم گریه می کند. هنگامی که موهایم را به یک طرف شانه می زنم و او اثر زخم را روی سرم می بیند اشک می ریزد، و وقتی از خواب نیمروزی بیدار می شود و صدای فرزندانش را در حال بازی در باغ می شنود آرامش خاطر می یابد زیرا یکی از صداها متعلق به من است. او می داند مردم می گویند تقصیر پدر بود که به من تیراندازی شد. این اتفاقات برای او بسیار دشوار بود. تلاش بیست ساله اش را در سوات ترک کرده بود...”



نقش مواد طبیعی در زیبایی

خداوند همه را زیبا آفریده و حفظ این زیبایی نیازمند رسیدگی صحیح و رعایت نکات بهداشتی است که برخلاف باور عموم جامعه لزوماً نیازمند صرف هزینه های گزاف نیست. در این شماره از ندا می خواهیم به معرفی یک اسکراب مخصوص پوست بدن بپردازیم. اسکراب، سلول های مرده روی پوست را پاک می کند و باعث شفافیت، صافی و تمیزی پوست ما می شود. مواد تشکیل دهنده آن شامل شکر ۳/۲ پیمانه، عسل، روغن نارگیل یا زیتون و شامپو بدن هر کدام به مقدار ۲قاشق غذاخوری و ترکیب آنهاست. به نحوی که ترکیب به حال موم دربیاید. می توان اسکراب را جایگزین صابون در حمام کرد؛ در این ترکیب: شکر پوست را لایه برداری می کن عسل آن را مرطوب و روغن ها باعث نرمی آن می شوند. شامپو بدن هم به تمیزی بیشتر پوست کمک می کند.



*مارک شامپو بدن تفاوت ندارد.
*اسکراب قابل نگهداری تا یک ماه در ظرف در بسته در دمای محیط است.



تصویر پوشالی

ندا ده دقیقه ای می شد که منتظر سوگند داخل ایستگاه اتوبوس نشسته بود. هوا هر چه به آخر دی ماه نزدیک می شد سردتر بود. ندا همان طور که زیر لب از دیر آمدن سوگند و دور بودن مسیر استودیو غر میزد اتوبوس نزدیک ایستگاه شد و ایستاد؛ ناگهان از پشت سر شخصی با سرعت دستش را گرفت و با عجله از پله های اتوبوس بالا برد. روی دو صندلی رو به روی هم نشستند. سوگند که مثل همیشه لبخند به لب به صورتش خیره شده بود، بدون سلام شروع به صحبت کرد: اگه بدونی چقدر ترافیک بود! قبل از همین چهارراه هم یه خانمی با بچه کوچیک نشسته بود، انقدر دخترش تو این سرما مظلوم بود که نتونستم بی تفاوت رد بشم، رفتم براش پیراشکی داغ گرفتم. خیلی دلم سوخت، بنده خدا چه گناه داره تو بچگی...

ندا چند لحظه مکث کرد تا از عصبانیتش کم شود سپس گفت: سلام علیکم! رسیدن بخیر! کاش سر راه یه کلاه و شال گردن هم برای ما می خریدی که یه ربع یخ زدیم! نمی گی دیرمون میشه، همین جلسه نیم ساعته رو هم از دست می دیم! تو که میدونی با چه زوری تونستم وقت بگیرم از تهیه کننده.

سوگند با چشم های ملتسمانه مثل بچه ای که خودش را مظلوم کرده گفت: ببخشید خب، ترافیکش که دست من نبود...

سپس صدایش را صاف کرد و خیلی جدی ادامه داد: بقیه اش هم که می دونی چون من خیلی مهر بونم نمیتونم نسبت به آدم های جامعه خودم بی تفاوت باشم! همچنین دوست فرهیخته داری بالاخره، بععله.

بعد از این جمله هر دو با سکوت به چشم های یکدیگر نگاه کردند و شروع کردند به بلند خندیدن؛ که با نگاه سنگین آدم های اتوبوس سریع تمام شد و ندا بلافاصله گفت: برای دیر اومدن تو که کاری از دستم بر نمیاد فکر کنم بیشتر باید بهش عادت کنم؛ اما این دست از مشکلات کم نیست متاسفانه. باور کن من بعضی وقتا یه مشکلاتی می بینم تو زندگی خانمهای دوروبرم که حتی به ذهن آدم هم نمی رسه که این چیزها وجود داره! خیلی عادی شده انکار.

سوگند با حرکت سر حرف ندا را تایید کرد و گفت: می دونم چی میگی. امیدوارم جلسه امروز نتیجه بده و با ایده موافقت کنن. شاید بشه یه تلنگر کوچیک باهاش زد. فکر نمی کردم ساخت یه مستند انقدر سخت باشه!

ندا لبخندی زد و همانطور که دنبال گوشی می گشت تا ساعت را چک کند گفت: تازه کجاشو دیدی، هنوز شروع نشده که!! اگر بتونم نظر آقای قاسمی را جلب کنم که از کارم حمایت کنه بعدش باید برم دنبال بقیه کارها تازه، ولی من هم فکر می کنم این مرحله اول سخت ترین مرحله است.

سوگند گفت: چرا آخه اینجوری می کنن تهیه کننده ها؟ فکر کنم این یازدهمین نفریه که داری میری صحبت کنی، تازه قبلی هارو هم که اکثر با معرفی استاد شکروی رفتی و جواب رد دادن؛ اینسری که دیگه هیچی...

ندا گوشی را پیدا کرد. ساعت پنج و نیم شده بود و با هوای بارانی و ترافیک های تهران احتمالاً چند دقیقه ای دیر می رسیدند. گوشی را در کیف گذاشت و با کلافگی گفت: به خاطر موضوعه، هر کسی راحت قبول نمی کنه. یکی میگه دغدغه نیست بیشتر خودزنیه! اونیکی میگه جذاب نیست! انگار قراره فقط فیلم عاشقانه بسازیم و مردم ببینن. اینم درد جامعه است دیگه.

سوگند مثل همیشه با شوخی و خنده گفت: حرص نخور ندا جون، پوستت خراب میشه ها! اینم درست می شه. راستی امروز قراره کدوم سوژه رو بگی؟ با استاد دوباره مشورت کردی؟

ندا گفت: اوهم، صحبت کردم. اول می خوام یه مقدمه بگم از نبودن نگاه درست به خانم ها تو محیط های مختلف از خونه گرفته تا سر کار و همین فضاهای رسانه ای. فقط امیدوارم بتونم منظورم رو خوب منتقل کنم و براشون دغدغه کنم. بعد هم از ایده زندگی اون خانمی که هم شاغل بود، هم خانه دار اما تو هیچکدوم احساس موفقیت نمی کرد و به خاطر احساس شکست تو زندگی خودش خودکشی کرده بود، بگم. خوبه به نظرت؟

سوگند گفت: خوبه خانم معلم، خیلی خوبه. فقط به نظرم این رو هم بگو که این حس شکستش به خاطر درک نشدنش توسط اطرافیان بوده و...

اتوبوس ایستاد و ندا حرف سوگند را قطع کرد: اینجا باید پیاده بشیم.

ساختمان استودیو دقیقاً کنار ایستگاه اتوبوس بود. جلوی در ایستادند. ندا نفس عمیقی کشید. چشم هایش را بست و گفت: ممنونم که قبول کردی باهام بیای دوباره؛ اصلاً احساس خوبی ندارم اینجاها تنهایی برم. فقط دعا کن اینسری قبول کنن.

سوگند لبخندی زد و گفت: تا منو داری غم نخور. گفتم مامانم سفارشی دعوت کنه.

ندا با حرف های سوگند خنده اش گرفته بود و زنگ آیفون را زد.

– کیه؟

– جلیلی هستم. وقت جلسه داشتیم ساعت ۱۸.

– بفرمایید. آسانسور زنگ ۳ رو بزید.

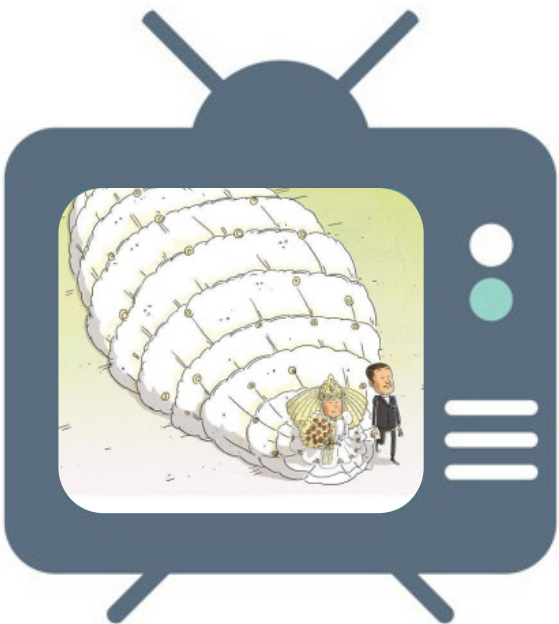
ویژه دختران

گاهنامه دفتر تحکیم وحدت

ندای دختران ایران

شماره پانزدهم

دی ۱۴۰۰



تصویر پوشالی



ندای دختران ایران

رسانه عضو جدا ناشدنی این روزهای ما، بیش از آنچه که فکرش را می کردیم در کنار زندگی مان جا خوش کرده است.

صبح چشمانمان را با دنبال کردن اخبار و داستان ها در صفحات مجازی باز می کنیم و ظهر و شب، هنگام صرف غذا چشم و گوش به برنامه ها می دهیم؛ وقت استراحت، تفریح و سرگرمی هایمان را با فیلم و سریال می گذرانیم و در یک کلام غم و شادی مان را با آنها شریک می شویم.

مسئله ای که در نگاه اول هیچ اشکالی به آن وارد نمی شود اما در طول زمان تصویری غیرواقعی از ما را نشان می دهد و می تواند زمینه ساز سرخوردگی زنان سرزمینمان شود.

آن وقت است که ندای درونمان ذره ذره آوازه های دیگران را برای مان زمزمه می کند.



حقوق و مسئولیت های دختران در خانواده

منشور حقوق و مسئولیت های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۸۵ تحت عنوان قانون حمایت از حقوق و مسئولیت های زنان در عرصه های داخلی و بین المللی در مجلس تصویب و به تأیید شورای نگهبان رسید.

فصل اول در بخش دوم آن به حقوق و مسئولیت های دختران در خانواده می پردازد از جمله:

- ۱- حق برخورداری دختران از سرپرستی شایسته توسط والدین
- ۲- حق برخورداری دختران از نفقه شامل: مسکن، پوشاک، تغذیه سالم و کافی و تسهیلات بهداشتی جهت تأمین سلامت جسمانی و روانی آنان
- ۳- حق تعلیم و تربیت دختران و ایجاد زمینه شکوفایی استعدادها و خلاقیت های آنان
- ۴- حق تأمین نیازهای عاطفی و روانی دختران و برخورداری از رفتار ملامت آمیز والدین و مصونیت آنان از خشونت های خانوادگی
- ۵- حق برخورداری از امکانات خانواده، بدون تبعیض میان دختر و پسر

۶- حق دختران بی سرپرست و بدسرپرست در سرپرستی توسط بستگان یا داوطلبان تکفل با رعایت مصلحت آنان و برخورداری از حمایت و نظارت حکومت

۷- مسئولیت احترام به والدین و اطاعت از دستورات مشروع آنها و رفتار نیکو نسبت به سایر اعضای خانواده



دولبه ی یک تیغ

❄️ **محدثه مهدی زاده - دانشگاه تبریز**

انسان ها همیشه با زندگی در جوامع، فرهنگ ها و شرایط مختلف، تعاریف متفاوتی از موفقیت و خوشبختی در زندگی دارند، اما متأسفانه در جهان کنونی ما با رسوخ فرهنگ سرمایه داری، معیار موفقیت و خوشبختی را برای زنان به ثروت و منصب محصور کرده اند، به این مفهوم که فقط زنانی موفق، خوشبخت و تصمیم ساز هستند که ثروتمند و دارای منصب باشند، که گاهی این ثروت و منصب موروثی است و خود فرد در به دست آوردن آن ها نقشی نداشته است که این موضوع با واقعیت زندگی اکثر افراد همخوانی ندارد و فرد پس از مقایسه زندگی خود با زندگی این افراد احساس ناامیدی می کند.

این در شرایطی است که در جامعه، بسترها و زیرساخت های لازم برای حضور اجتماعی زنان مهیا نیست و زنان در اکثر اوقات در ابتدایی ترین مسائل نیز با مشکلات عدیده ای روبه رو هستند. در این شرایط است که نقش رسانه به عنوان ابزاری کارآمد برای انعکاس مشکلات جامعه ی زنان اهمیت پیدا میکند. اما رسانه ای که میتواند صدای رسای زنان باشد و به باز شدن گره های کور زندگی آنها کمک کند با الگوسازی های آرمانگرایانه و غیر واقعی از زنانی که تنها ویژگی مثبت زندگیشان ثروت است و پایه های دیگر زندگی شان لنگ می زنند، به عمیق تر شدن این مشکلات دامن می زند و از رسالت خود دور می شود.

نکته ی دیگر در مورد این نوع الگوسازی ها این است که خود مآشخصیت های واقعی و بسیار ارزشمندتری داریم. قهرمان هایی که در پیچ و خم تاریخ گم شده و بسیاری از آن ها به دست فراموشی سپرده شده اند؛ زنانی که پایه پای مردان حرکت کرده اند و سعی در اصلاح جامعه شان داشتند اما هیچ رسانه ای به معرفی آن ها نمی پردازد یا اگر پردازد بسیار مختصر...

زنانی مانند زینب پاشا که از پیشگامان نهضت تنباکو بود و در بسیاری از مواقع چند قدم جلو تر از مردان جامعه اش ایستاده بود و آنان را دعوت به قیام علیه ناعدالتی می کرد؛ زنانی مانند بی بی خانم استرآبادی که از نویسندگان دوران مشروطه بوده و مقالات بسیاری در مورد دفاع از آموزش دختران نوشته است و اولین دبستان دخترانه ی ایران نیز توسط او پایه گذاری شده است و بسیاری از زنان دیگر، که در مسیر عدالت قدم برداشته اند اما از آن ها جز نامی بیان نمی شود و البته که بسیاری از آنان حتی نامشان نیز در تاریخ گم شده اند. این بانوان هستند که لایق الگو شدن هستند، زنانی که تنها هدف زندگیشان ثروت و آسایش شخصی نبوده و هر قدمی که برداشته اند برای کل جامعه بوده است، کسانی که به تمام جوانب زندگیشان توجه داشته اند و به خود تکیه کرده اند.

البته این زنان شاخص و تأثیرگذار فقط مربوط به زمان گذشته نیستند و امروزه نیز چنین افرادی در جامعه ی ما وجود دارند اما متأسفانه گمنام مانده اند و مسئولیت این گمنامی نیز بر دوش رسانه ها است، چه رسانه های دولتی و چه غیر دولتی...



سکانس خانوادگی

❄️ **فاطمه علی محمدی - دانشگاه علم وصنعت**

در محیط خانواده، زنان مدیریت داخلی این واحد کوچک اجتماعی را بر عهده دارند. آنان در قامت مادر، همسر و یا دختر در خانواده ایفای نقش می کنند و از نفرات تصمیم گیر و تصمیم ساز هستند. امروزه در رسانه ها، کمتر چنین تصویری از بانوان جامعه نشان داده می شود. به طور کلی می توان گفت در اکثر محتواهای رسانه ای خلا وجود الگوهای مناسب و تصاویر نادرست از زنان به چشم می خورد که نیازمند بازنگری جدی در این زمینه هستیم و توقع می رود که بتوان به ارائه ی الگوهای بهتری از زن ایرانی پردازیم. رسانه ها به علت تأثیر بالایی که بر مخاطبان دارند اغلب در فرهنگ سازی و ذائقه سازی در جامعه حرف اول را می زنند. از این جهت تصویری که از زنان به نمایش گذاشته می شود بسیار حائز اهمیت است. اما متأسفانه در حال حاضر شاهد تصویری صحیح و مبتنی بر حفظ ارزش های زنان نیستیم. در برخی از محتواهای موجود رفتارهای نامناسب در نقش پدر، همسر و یا پسر با زنان خانواده به چشم می خورد، به طوری که نه تنها احترام آنان در خانواده حفظ نمی شود و جایگاه صحیحی برای زنان در تصمیم گیری و مدیریت خانواده نمایش داده نمی شوند بلکه در مقابل صرفاً دنباله رو مردان خانواده و به نوعی عضوی مصرف گرا و چشم بسته پیرو تصمیمات دیگران هستند. این مسئله مختص زنان خانه دار نیست و در مورد زنانی که در جامعه از جایگاه اجتماعی خوبی برخوردارند نیز صدق می کند. در حالی که این نگاه حداقلی به جنس زن نادرست است. در مورد تصویری که رسانه از نقش دختران در خانواده نمایش می دهد نیز کاستی های فراوانی مشاهده می شود. برای مثال اغلب دختران صرفاً در آرزوی ازدواج و منتظر شاهزاده ی سوار بر اسب سفید خود هستند! به طوری که هدف دیگری برای آنان در نظر گرفته نشده و به دور از واقعیات موجود در جامعه نشان داده می شوند. قطعاً ازدواج بخش مهمی از زندگی هر فردی است ولی تمرکز صرف بر این موضوع و غفلت از سایر ابعاد زندگی دختران در رسانه ها آسیب زاست و باید به سایر ابعاد زندگی و استعداد های آنان نیز پرداخته شود. البته همواره بوده اند محتواهایی که تصویر مطلوبی از زنان و نقش آن ها در خانواده به نمایش گذاشته اند اما آنچه مسلم است این است که ما باید برای رسیدن به وضعیت مطلوب تلاش بیشتری داشته باشیم. و باید از خود سوال کنیم، آیا اکنون زنان و دختران ما با مشاهده ی آنچه در رسانه ها پخش می شود، به جنسیت خود افتخار می کنند؟؟

صاحب امتیاز: دفتر تحکیم وحدت

مدیر مسئول و سردبیر: معصومه زورمند

همکاران این شماره: فرناز اپنانلو، فاطمه علی محمدی، محدثه مهدی زاده

اخبار زنان

❄️ انسیه خزعلی: مادران دارای کودک زیر ۶ سال یا دبستانی به استناد بخشنامه ۸۹/۰۴/۰۷ می‌توانند به دور کاری ادامه دهند.

❄️ معاون امور جوانان وزارت ورزش و جوانان از بررسی «وام ازدواج» ۵۰۰ میلیون تومانی در مجلس شورای اسلامی خبر داد.

❄️ علی زاکانی: ۳۵۲ بوستان تهران برای مادران و کودکان، زنان و دختران مناسب سازی و به زودی ۵ بوستان اختصاصی بانوان نیز به پایتخت اضافه خواهد شد.

❄️ فاطمه قاسم‌پور: بررسی لایحه حمایت از زنان در برابر خشونت در مراحل پایانی قرار دارد.

❄️ امین پور، معاون امور جوانان وزارت ورزش و جوانان: همواره سن ازدواج صعودی بوده و اکنون در بین مردان به ۳۰ سال رسیده است آمار طلاق هم همواره صعودی بوده و اکنون از هر سه ازدواج در کشور یک مورد طلاق اتفاق می‌افتد.

❄️ معاون امور زنان و خانواده: قطعاً نگاه‌های سلیقه‌ای مورد تأیید دولت نیست و تمام موضوعات را با جدیت پیگیری می‌کنیم تا محدودیتی برای زنان در عرصه فعالیت‌های ورزشی ایجاد نشود.

❄️ بهرام عین‌اللهی، وزیر بهداشت، طی حکمی دکتر مونا زینالو را به‌عنوان مشاور در امور زنان منصوب کرد.

❄️ معاون وزارت ورزش و جوانان: پس از گذشت ۸ سال، نرخ ازدواج جوانان در کشور مثبت شده است و آمار ازدواج جوانان در ۶ ماهه نخست امسال در کشور روند صعودی داشته است.

❄️ فاطمه قاسم‌پور: کمبود اعتبارات برای آسیب‌های اجتماعی در بودجه ۱۴۰۱ شدیدتر است، به طوری که متوسط عدد بودجه‌ای سنواتی آسیب‌های اجتماعی سالیانه نهم درصد است اما این رقم در بودجه ۱۴۰۱، تنها ۲۷ صدم درصد است.

❄️ انسیه خزعلی از رونمایی «برنامه جامع توانمندسازی و آسیب‌زدایی» از زنان و خانواده هایشان، به زودی خبر داد.

❄️ مدیرعامل سازمان تامین اجتماعی: برای اولین بار، خدمات ناباروری تحت پوشش بیمه درمان تامین اجتماعی قرار گرفت.

❄️ زوجین نابارور از مرحله تشخیص تا درمان به صورت رایگان تحت پوشش بیمه قرار گرفتند.



❄ تیم ملی فوتبال زنان ایران راهی جام ملت های آسیا شد.

❄ سهیلا ململی، نامزد بهترین بازیکن فوتسال زن جهان در سال ۲۰۲۱ شد.

❄ عاطفه احمدی، دومین زن اسکی باز ایرانی به المپیک زمستانی پکن راه یافت.

از احمدی به عنوان جوان ترین دختر راه یافته به تیم ملی اسکی نیز یاد می شود.

❄ زهرا نعمتی در جمع برترین زنان پارالمپیک سال ۲۰۲۱ قرار گرفت.

❄ نام گلاره ناظمی در جمع برترین داوران برتر سال جهان و فرزانه توسلی به عنوان برترین دروازه بانان فوتسال جهان در سال ۲۰۲۱ در فهرست ها دیده می شود.

گاهنامه ندا (ندای دختران ایران) شماره پانزدهم - دی ۱۴۰۰



ندای دل

خوشبختی را در چنان هاله‌یی از رمز و راز فرو نبریم که خود،
درمانده از شناختش شویم. خوشبختی را تابع لوازم و شرایط بسیار
دشوار و اصول و قوانین پیچیده‌ی ادراک ناپذیر ندانیم تا چیزی
ممکن الوصول به ناممکن ابدی تبدیل شود.

خوشبختی را چنان تعریف نکنیم که گویی سیمرغی باید تا آن را
از قله‌ی قافی بیاورد.

خوشبختی، عطر مختصر تفاهم است که اینک در سرای تو پیچیده
و عطری است باقی که از آغاز تا پایان این راه، همیشه می توان
بوییدش...

خوشبختی را ساده بگیریم ای دوست،
ساده بگیریم!

[و] خوشبختی را، تنها به مدد طهارت جسم و روح، در خانه‌ی
کوچکمان نگه داریم.

نادر ابراهیمی

